

گزارش اتحاد بین المللی:

**اعتراض به سرکوب کارگران و حقوق کارگری
توسط جمهوری اسلامی ایران:
واکنش، اقدامات و توجیهات سازمان جهانی کار**

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

دوم ژوئیه ۲۰۱۵

info@workers-iran.org
www.workers-iran.org / www.etehadbinalmelali

گزارش اتحاد بین المللی: اعتراض به سرکوب کارگران و حقوق کارگری توسط جمهوری اسلامی: واکنش، اقدامات و توجیهات سازمان جهانی کار

مقدمه:

طبق معمول هر ساله، در آستانه صد و چهارمین اجلاس سازمان جهانی کار (کنفرانس بین المللی کار)، "گزارش کمیته متخصصین بر اجرای کنوانسیونها و توصیه نامه ها" توسط این سازمان در دو بخش مجزا منتشر شد. در گزارش شماره یک که نزدیک به ۶۰۰ صفحه است تنها دو گزارش از چگونگی اجرای مقوله نامه های این سازمان در ایران وجود دارد: کنوانسیون (مقوله نامه) ۱۱۱ در مورد تبعیض در اشتغال که در رابطه با ایران به مسئله تبعیض علیه زنان و "اقلیت های ملی و مذهبی" پرداخته است؛ و گزارشی کوتاه در رابطه با مقوله نامه ۹۵ مبنی بر الزام پرداخت منظم و به موقع دستمزدها. در گزارش گفته شده که یک هیئت عالی رتبه از سازمان جهانی کار از تاریخ ۴ تا ۸ مه ۲۰۱۴ در ایران بوده و مذاکرات طولانی با "نمایندگان دولت و نمایندگان تشکلات کارفرمایی و کارگری" داشته است. در چند جای گزارش به یافته ها و نتایج این هیئت اعزامی استناد شده است.

هم گزارش هیئت اعزامی سازمان جهانی کار و هم گزارش کمیته متخصصین که اساسا مبتنی بر نتیجه گیری های هیئت اعزامی است بطور کلی تصویر غیر واقعی، مغرضانه و جانب دار (به نفع دولت) از وضعیت کارگری در ایران ارائه می دهد و نتیجه گیری می کند که شرایط کار در ایران رو به بهبود است. این گزارش در واقع توجیه گر وضعیت موجود است و عملا دست رژیم جمهوری اسلامی را در تدوام بخشیدن به پایمال کردن بنیادی ترین حقوق کارگران در ایران بازتر می سازد. در زیر به محتوای این گزارش ها پرداخته می شود اما پیش از آن لازم است به موارد بسیار مهمی بپردازیم که این گزارش در باره اش سکوت کرده است.

سکوت در مورد حق تشکل، آزادی ایجاد تشکل و مذاکرات دسته جمعی

گزارش در مورد یکی از مسایل کلیدی جنبش کارگری، یعنی مسئله حق کارگران در ایجاد تشکل های مستقل کارگری کاملا سکوت می کند. رژیم

جمهوری اسلامی ایران مقوله نامه ۸۷ که مربوط به حق تشکل و آزادی ایجاد تشکل ها و مقوله نامه ۹۸ که مربوط به حق تشکل و مذاکرات دسته جمعی است را امضا نکرده است. علاوه بر ایران تعدادی دیگر از کشورها از جمله آمریکا، چین و عربستان سعودی نیز این دو مقوله نامه را امضا نکرده اند. با اینوجود، بیانیه ی "اصول و حقوق بنیادین کار" که در سال ۱۹۹۸ توسط سازمان جهانی کار به تصویب رسید شامل دو مقوله نامه فوق نیز می گردد و کلیه دولت های عضو سازمان جهانی کار را به صرف عضویت آنها در این سازمان، حتی اگر این دو مقوله نامه را امضا نکرده باشند، ملزم می سازد که مفاد این دو مقوله نامه و همچنین مقوله نامه های ۱۸۲، ۱۳۸، ۲۹، ۱۰۵، ۱۰۰ و ۱۱۱ رعایت کنند.

کاملا روشن است که کلیه این مقوله نامه ها و در اینجا بطور مشخص مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ بطور مستمر و با خشونت کامل توسط جمهوری اسلامی ایران نقض شده اند. هیئت اعزامی سازمان جهانی کار اما در گزارش خود این موضوع را اساسا نادیده می گیرد و گزارش کمیته متخصصین سازمان جهانی کار نیز که بر گزارش هیئت اعزامی استناد می کند، با مسکوت گذاشتن موضوع نقض مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ اشاره می کند که هیئت اعزامی سازمان جهانی کار با "نمایندگان تشکلات کارگری" نیز دیدار و گفتگوی طولانی داشته است. به این ترتیب گزارش در ذهن خواننده نا آشنا به اوضاع و مسایل کارگری در ایران این تصور را القا می کند که تشکلات کارگری در ایران نه تنها سرکوب نمی شوند، بلکه آزادانه به فعالیت مشغولند و طرف مذاکره هیئت اعزامی سازمان جهانی کار نیز بوده اند. گزارش بطور مشخص از هویت این "تشکلات کارگری" چیزی نمی گوید و تنها در یک جا از "کنفدراسیون نمایندگان کارگران ایران" اسم می برد که به نظر می رسد منظور "مجمع عالی نمایندگان کارگران" باشد. گزارشات مطبوعات جمهوری اسلامی از سوی دیگر نشان میدهد که دیگر طرف های مورد مذاکره این هیئت که از آنها به عنوان "نمایندگان تشکلات کارگری" اسم برده می شود، نمایندگان "کانون عالی انجمن های صنفی کارگران ایران" و "کانون عالی شوراهای اسلامی کار" بوده اند.

گفتنی است که نمایندگان همین تشکلات به اصطلاح کارگری اما وابسته به دولت، هر سال به عنوان نماینده کارگران ایران در اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار شرکت می کنند که این امر به درستی مورد اعتراض شدید تشکلات و فعالین کارگری گرفته است؛ تشکل ها

و فعالین مستقل کارگری در ایران و خارج از کشور، تعدادی از تشکلات کارگری بین المللی و همچنین فعالین اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران سالهای طولانی است که بطور مرتب با ارائه اسناد و مدارک به سازمان جهانی کار نشان داده اند که این به اصطلاح "تشکلات کارگری" کاملا وابسته به رژیم هستند و نه تنها کارگران ایران را نمایندگی نمی کنند بلکه ابزاری هستند در دست رژیم برای سرکوب مبارزات کارگران. بطور مشخص و برای نمونه تقریباً هر ساله سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با ارسال نامه های سرگشاده به سازمان جهانی کار به حضور نمایندگان این تشکلات حکومتی در اجلاس اعتراض کرده و اعلام داشته اند که اینها نماینده کارگران ایران نیستند. فعالین اتحاد بین المللی از سال ۲۰۰۴ تقریباً هر ساله در اعتراض به شرکت نمایندگان این "تشکلات کارگری" وابسته به حکومت اکسیونهایی را در شهر ژنو، محل برگزاری اجلاس سالانه سازمان جهانی کار، بر گزار کرده اند. بعلاوه در چندین نوبت طی سال های اخیر کلکتیوی متشکل از پنج فدراسیون سندیکاهای کارگری فرانسه، س ژت، سی اف د ت، سود، اب. اس یو و یونس، با همراهی فعالین اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران و "همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران- فرانسه" و نیز حمایت دیگر نهادهای همبستگی کارگری و سازمانها و احزاب چپ با برگزاری تظاهرات در مقابل محل اجلاس سازمان جهانی کار علیه نقض حقوق اولیه کارگران و سرکوب تشکلات و فعالین مستقل کارگری در ایران و به ویژه به حضور هیئت به اصطلاح کارگری از ایران در این اجلاس اعتراض کرده اند. همچنین دهها نماینده تشکلهای کارگری از کشورهای مختلف دنیا در این تظاهرات شرکت نموده اند و از مطالبات فوق حمایت کرده اند. به رغم همه این کارزارها، اما نمایندگان این تشکلات حکومتی اجازه می یابند که در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار به عنوان نمایندگان کارگران ایران شرکت کنند، و بدتر از آن اینکه زمانی نیز که این سازمان هیئتی را به ایران اعزام می کند این هیئت با نمایندگان همین تشکلات و وابسته حکومتی جلسه بر گزار می کند.

بنابراین و در خوشبینانه ترین حالت یعنی حتی اگر جانب دار بودن هیئت اعزامی را نیز نا دیده بگیریم، گزارش این هیئت و گزارش سازمان جهانی کار هنگامی که منابع گزارش آنها خود رژیم، کارفرمایان و نمایندگان تشکلات کارگری دست ساز حکومتی است، نمی توانست واقعیت ها را منعکس کند. خود گزارش

نیز نشان می دهد که هیئت اعزامی و گزارش نویسان نیز قصد بیان واقعیت ها را نداشته اند. در یک کلام می توان گفت منبع این گزارش رژیم جمهوری اسلامی است زیرا هم تشکلات کارفرمایان و همه به اصلاح تشکلات کارگری یاد شده وابسته به دولت اند.

در اینجا فرصت پرداختن به ماهیت و کارنامه این به اصطلاح تشکلات کارگری وجود ندارد؛ تنها به بخشی از اظهارات سه نفر از نمایندگان این تشکلات ها بسنده می کنیم که بیش از هر توضیحی ماهیت این تشکلات ها را آشکار می کند: یکی از نمایندگان، اولیا علی بیگی رئیس "کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور" است و طبق خبر موجود در سایت سازمان جهانی کار، ایشان امسال نماینده اصلی هیئت نمایندگان کارگری جمهوری اسلامی در اجلاس این سازمان بوده است. اولیا علی بیگی در مصاحبه با ایلنا می گوید: "بنده علی بیگی ابتدا سرباز ولایت هستم و در مرحله دوم از حقوق کارگران دفاع می کنم. حفظ نظام از خواندن نماز هم واجب تر است." نماینده دیگر، غلامرضا خادمی زاده، رئیس هیأت مدیره "کانون عالی انجمن های صنفی کارگری ایران" است. او نیز با تائید دیدگاه همپالگی خویش در همان مصاحبه می گوید: "تشکلات های رسمی کارگری اساساً در راستای حفظ نظام تاسیس شده اند. ما زمانی از حقوق کارگران دفاع می کنیم که متضمن حفظ نظام باشد."

یکی دیگر از این "نمایندگان کارگری" غلام رضا عباسی، رئیس کانون عالی انجمن های صنفی کارگران ایران است. خبرگزاری دولتی ایسنا به نقل از ایشان در مورد نقش این تشکلات در سازمان جهانی کار چنین می نویسد:

"رئیس کانون عالی انجمن های صنفی کارگران کشور در ادامه از کمیته استانداردها به عنوان مهمترین کمیته سازمان جهانی کار نام برد و اظهار کرد: این کمیته که از اهمیت بالایی برای کشور ما برخوردار است رسیدگی به پرونده های شکایات کشورها را برعهده دارد و همه کشورها برای آنکه بتوانند رسماً در اجلاس شرکت کنند باید از این کمیته بگذرند تا اعتبارنامه بگیرند. به گفته وی همه کشورها در کمیته استانداردها نماینده دارند ولی نحوه مدیریت باید به گونه ای باشد که اگر شکایاتی در قبال آن کشور و هر یک از گروه های همراه او صورت گرفته حتماً توجیه شود تا اعتبارنامه نمایندگان به تایید برسد. عباسی به اجلاس سال گذشته آی ال او اشاره کرد و گفت: سال گذشته با وجود آنکه پرونده هایی علیه ایران مطرح بود اما برای جمهوری اسلامی ایران یک موفقیت به شمار آمد چرا که برای

اولین بار تلاش شد تا هیچ پرونده‌ای از ایران در دستور کار قرار نگیرد و مسکوت بماند در حالی که برخی کشورها مثل آمریکا با وجود اعمال نفوذ خود پرونده داشتند. وی گفت: امسال هم تلاش می‌کنیم تا این اتفاق بیفتد هرچند که برخی گروهها نظیر منافقین در قالب گروههای کارگری ظاهر می‌شوند و اطلاعات غلطی از کشورمان در اختیار سازمان قرار می‌دهند تا به این طریق برای ایران دردسرساز شود اما در نهایت با گزارشی که قرائت می‌شود تلاش می‌کنیم تا از کمیته استانداردها به سلامت عبور کنیم".

یکی دیگر از ملاقاتهای هیئت عالی رتبه سازمان جهانی با "سرپرست صندوق مهرامام رضا(ع)" بوده است! اما این هیئت به خود زحمت نداد که با فعالین مستقل کارگری و یا با تشکل های مستقل کارگری در ایران تماس بگیرد و دیدار کند.

لازم است گفته شود که جدا از گزارش این هیئت و کمیته متخصصین، در سالهای اخیر چند شکایت جداگانه توسط کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (در ارتباط با سرکوب اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه) و فدراسیون جهانی کارگران مواد غذایی (در ارتباط با سرکوب اعضای سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه) به "کمیته آزادی تشکل" سازمان جهان کار ارائه داده شده و در مورد سندیکای کارگران شرکت واحد این شکایت از سال ۲۰۰۶ تا کنون ادامه داشته است و پرونده آن کماکان مفتوح است (نگاه کنید به ضمیمه). در آخرین پاسخ های وزارت کار نسبت به این شکایت از جمله ادعا شده که رضا شهابی آزاد است و به سر کار خود برگشته است که "کمیته آزادی تشکل" سازمان جهانی کار، بدون کوچکترین تحقیقی در مورد درستی و یا نادرستی این ادعای وزارت کار جمهوری اسلامی، نسبت به این خبر اظهار خشنودی کرده است. و این در حالی است که رضا شهابی در مرخصی استعلاجی بسر می برد و به هیچ عنوان حکم بازگشت به کار دریافت نکرده است و وزارت کار در این مورد آشکارا دروغ گفته است. همچنین جمهوری اسلامی در پاسخ به پرونده شکایتی که علیه دولت به دلیل شکنجه کردن فعالین کارگری، در سازمان جهانی کار موجود و همچنان مفتوح است ادعا کرده است که از آنجا که در قانون اساسی جمهوری اسلامی شکنجه ممنوع اعلام شده است، بنابراین هیچیک از کارگران زندانی اذیت و آزار و شکنجه نشده اند. این پاسخ رژیم چنان مسخره و احمقانه بوده است که حتی کمیته "آزادی تشکل"

سازمان جهانی کار در گزارش و توصیه های خود این استدلال حکومت ایران را کاملاً بی اعتبار دانسته و خواهان تحقیقات مستقل در این مورد شده است. (نگاه کنید به گزارش ۳۷۶، ژوئن ۲۰۱۵ در ضمیمه).

طی سالهای گذشته "کمیته آزادی تشکل" سازمان جهانی کار به دلیل فشار تشکلات کارگری بین المللی و تشکلات و فعالین مستقل کارگری در ایران و خارج از کشور از رژیم جمهوری اسلامی در مورد سرکوب کارگران بازخواستهایی انجام داده و از جمله از دولت ایران درخواست کرده بود که سندیکای کارگران شرکت واحد تهران را به عنوان "واقعیت دوافکتو" به رسمیت بشناسد. رژیم اما به بهانه ها و ترفندهای گوناگون از جمله اینکه این سندیکا می تواند به انجمن های صنفی بپیوندد (یعنی همین انجمنهای صنفی وابسته به جمهوری اسلامی به رهبری امثال غلام رضا عباسی)، از این کار امتناع کرده است.

از موضوع به رسمیت شناختن "دوافکتو" که بگذریم، واقعیت اوضاع کارگری بارها بدتر از آن چیزی است که در پاره ای از گزارش های سازمان جهانی کار انعکاس یافته است. چند روز پیش از اعزام هیئت جمهوری اسلامی به سازمان جهانی کار، یعنی در آستانه روز جهانی کارگر، رژیم سرمایه در هراس از برگزاری مراسمهای طبقاتی کارگری توسط تشکل های مستقل و فعالین کارگری موجی جدید از سرکوب به راه انداخت و تعدادی از فعالین کارگری، از جمله اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و اتحادیه آزاد کارگران ایران، را دستگیر و زندانی کرد. خبر این هجوم و دستگیری ها در همان زمان در سطح جهانی انعکاس یافت و مسئولین سازمان جهانی کار نیز از این موضوع با خبر بودند. بعلاوه لازم به یادآوری است که هنگامیکه هیئت عالی رتبه سازمان جهانی کار در مه ۲۰۱۴ در ایران بودند تعداد زیادی از فعالین کارگری یا دوران محکومیت طولانی خود را در زندان می گذراندند و یا تحت تعقیب و در انتظار حکم دادگاه بودند. با این همه گزارش هیئت اعزامی سازمان جهانی کار به ایران هیچ چیز در باره این کارگران زندانی نمی گوید و بطور کلی در گزارش متخصصین سازمان جهانی کار کلمه ای در مورد کارگران زندانی و اذیت و آزار، سرکوب و پیگرد کارگران و در پاره ای موارد احکام شلاق وجود ندارد.

وضعیت زنان و اقلیت های مذهبی و ملی در رابطه با کار و اشتغال

حدود سه صفحه از گزارش سالانه سازمان جهانی کار به چگونگی اجرای مقوله نامه شماره ۱۱۱ (تبعیض در رابطه استخدام و اشتغال) در ایران اختصاص دارد. گزارش در آغاز به درخواست "کمیته اجرای استانداردها" سازمان جهانی در سال ۲۰۱۳ از ایران اشاره می کند که از دولت ایران خواسته بود: "برای پایان دادن به تبعیض علیه زنان و اقلیت های ملی و مذهبی به اقدام فوری و مشخص بپردازد". خواست دیگر این کمیته از جمهوری اسلامی موافقت با اعزام هیئت عالی رتبه این سازمان به ایران بود.

بخش زیادی از گزارش به نتیجه گیریهای هیئت اعزامی سازمان جهانی کار به ایران استناد می کند. گزارش اساساً با نگاه مثبت به وضعیت زنان و اقلیت های ملی و مذهبی در رابطه با اشتغال و اقدامات دولت در این زمینه می نگرد و سعی دارد تا آنجا که ممکن است بدون نگاه انتقادی، گفته ها و توجیهات ارائه شده از سوی مقامات رژیم را بازتاب دهد. برای نمونه در گزارش آمده که "این کمیته به ویژه توجه دارد که رئیس جمهور حسن روحانی در روز اول ماه مه (سال ۲۰۱۴) در یک بیانیه قاطع اعلام کرد که در این کشور هیچ گونه تبعیض بین زنان و مردان و در رابطه با اقلیت ها، پذیرفتنی نیست". گزارش سپس به بیانیه حقوق شهروندی منتشر شده از سوی حسن روحانی اشاره می کند و می گوید که نسخه ای از آن به دبیر کل سازمان ملل نیز ارائه داده شده است.

در این هر دو مورد کمیته خود را به ندانستن می زند که این گونه لفاظی ها از سوی مقامات جمهوری اسلامی تنها مصرف خارجی دارد و بازتاب آنها در گزارش رسمی که قرار است به بررسی واقعیت ها بپردازد، فریب کارانه است؛ انتشار بیانیه حقوق شهروندی از سوی روحانی و ارائه آن به سازمان ملل کوششی بود برای آماده ساختن دور تازه مذاکرات و توافق احتمالی بر سر مسایل هسته ای، و ادعای روحانی در مورد قابل قبول نبودن تبعیض علیه زنان و اقلیت ها دقیقاً جنبه تبلیغاتی در سطح کشور و بین المللی داشته است.

در مورد تبعیض علیه زنان در پیوند با اشتغال، در گزارش آمده است: "کمیته بر مبنای گزارش هیئت اعزامی توجه دارد که گرچه بعضی مسایل حقوقی همچنان حل نشده باقی مانده است، دولت (ایران)

در حال بر طرف کردن موانعی است که مشارکت زنان در اقتصاد را محدود می کند". و در ادامه می گوید: "از سوی دولت تلاش های مثبت و مستمر برای دست یابی زنان به آموزش، کارآموزی و شغل انجام شده است". گزارش برای این ادعای خود به ورود و حضور درصد بالایی زنان در دانشگاه های ایران استناد می کند که حقیقت دارد، اما نمی گوید که درصد بالایی زنان در دانشگاه نه نتیجه تلاش های رژیم اسلامی بلکه به رغم موانع تراشی ها و بر خلاف میل رژیم صورت گرفته است. در خود گزارش نیز آمده است که تا همین اواخر، تحصیل زنان در ۷۰ رشته تحصیلی ممنوع بوده است. به هر رو، در رابطه با میزان مشارکت زنان در اقتصاد و دسترسی به شغل، خود گزارش اذعان دارد که: "علیرغم پیشرفت ها در آموزش، نرخ مشارکت زنان در اقتصاد، پایین یعنی ۱۳/۸ درصد است در حالی که نرخ مشارکت مردان ۶۱/۶ درصد است". اما پرسش باید این میبود که چرا نرخ مشارکت زنان در اقتصاد، ۳۶ سال بعد از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، تا این حد پایین است. پاسخ برای ناظر بی طرف و آگاه به مسایل اجتماعی و سیاسی ایران ساده است: عامل کلیدی در این رابطه، خود نظام جمهوری اسلامی است که در تمام طول مدتی که در قدرت بوده با سیاست های زن ستیز و تصویب قوانین تبعیض آمیز علیه زنان مانع از مشارکت گسترده آنان در عرصه اجتماعی و اقتصادی شده و تا آنجا که می توانسته کوشیده است که زنان را خانه نشین کند. به عنوان آخرین نمونه از این اقدامات می توان به طرح کلان جمعیت و خانواده استناد کرد که برای تصویب به مجلس ارائه شده و در گزارش نیز به آن اشاره شده است. طبق این طرح در تمام نهادهای آموزشی دولتی و خصوصی، فرصت های شغلی در ابتدا باید به مردان دارای فرزند، سپس به مردان متاهل بدون فرزند و دست آخر تنها به زنان دارای فرزند اختصاص یابد.

ریشه های نرخ پایین مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان در ایران را باید در چنین سیاست ها و این گونه قوانین تبعیض آمیز جست. گزارش اما به رغم اشاره به موارد بالا موانع را در جای دیگری می داند. در گزارش آمده است که "کمیته توجه دارد که هیئت اعزامی نتیجه گیری کرده است که موانع عملی مبتنی بر کلیشه های سنتی همچنان امکان دستیابی زنان به شغل و موقعیت کارآفرینی و پست های مدیریت را محدود می سازد". و سپس به این نکته توجه می کند "که دولت در حال تلاش است تا موانع اجتماعی و

فرهنگی که سد راه مشارکت کامل زنان در بازار کار است را از میان بر دارد".

به این گونه، گزارش تلاش می ورزد که سهم و نقش عوامل اصلی در تبعیض علیه زنان را جابجا کند. بنا به ادعای گزارش "موانع عملی مبتنی بر کلیشه های سنتی و موانع اجتماعی و فرهنگی" عامل تبعیض علیه زنان در عرصه اقتصادی است و دولت جمهوری اسلامی تلاش می کند که بر این موانع غلبه کند. اما این ادعا دروغ محض است. رژیم جمهوری اسلامی در طول ۳۶ سال گذشته مرتباً قوانین تبعیض آمیز علیه زنان را تصویب کرده و حامی عقب مانده ترین و پوسیده ترین سنت ها علیه زنان بوده است. به علاوه، این حکومت، رفتار ها و سنت های قرون وسطایی که دیگر از جامعه رخت بسته بودند را از نو زنده و آنها را قانونی کرد. تعداد زنانی که در ایران سنگسار شدند گواه این واقعیت تلخ می باشد. حکم سنگسار هنوز بطور رسمی از قوانین مصوب جمهوری اسلامی حذف نشده است.

"کمیته متخصصین بر اجرای کنوانسیونها و توصیه نامه ها" در مورد کد لباس یا همان حجاب اجباری نیز به توجیهات دولت اشاره می کند و می نویسد که دولت می گوید که "کد لباس بطور کلی به عنوان یک نورم ملی و عمل رایج مورد پذیرش قرار گرفته و نهادینه شده است". این ادعای دولت در هیچ جای گزارش مورد چالش قرار نمی گیرد و در قسمت توصیه ها نیز به این مسئله اشاره نمی شود. حال آنکه همه می دانند که نوع پوشش زنان در ایران نه "نورم ملی" و پذیرفته شده، بلکه اجباری است و این اجبار با استناد به قوانین مصوب رژیم اسلامی به زور اعمال می شود و زنانی که "کد لباس" تعیین شده را رعایت نکنند مورد پیگیری قانونی قرار می گیرند و مجازات می شوند؛ البته اگر پیش از آن قربانی اسید پاشی ها و اذیت و آزارهای ارازل و اوباش وابسته به حکومت اسلامی قرار نگرفته باشند. در واقع مبارزه زنان علیه حجاب اجباری به همان اندازه طول عمر جمهوری اسلامی سابقه دارد و این مبارزه در تمام این سالها تقریباً همه روزه به اشکال گوناگون تداوم داشته است و به هیچ وجه به عنوان "نورم ملی" مورد پذیرش قرار نگرفته است.

در مورد تبعیض علیه اقلیت های مذهبی و ملی، گزارش تقریباً هیچ چیز در مورد ابعاد این تبعیض به جز اشاره کوتاه به تبعیض علیه بهایی ها نمی گوید. برای نمونه در گزارش یک کلمه در مورد صدها هزار

کارگر افغانی در ایران وجود ندارد. گفتن اینکه کارگران افغانستانی در ایران مورد تبعیض قرار دارند بیانی رسا از ستمی که در جمهوری اسلامی بر آنان اعمال می شود نیست. این حکومت با افغانی های مقیم ایران چون نیمه انسان رفتار می کند. حضور افغانی ها در چهارده استان ایران رسماً ممنوع اعلام شده و در صورت دیده شدن در این استان ها تحت پیگرد قانونی قرار میگیرند. کارگران افغانستانی در ایران سخت ترین کارها را با پایین ترین دستمزد ها انجام می دهند و بدترین نوع تبعیض در مورد آنان هم از سوی کارفرماها و هم از سوی دولت اعمال می شود. دلیل حذف کارگران مهاجر افغانی به عنوان یک اقلیت ملی که در ایران تحت تبعیض قرار دارند در گزارش توجیه پذیر نیست. خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، که یکی از تشکلات حکومتی طرف مذاکره با هیئت سازمان جهانی کار بوده اند و در اجلاسهای این سازمان هر ساله به نام کارگران ایران حضور داشته اند، به مناسبت روز جهانی کارگر امسال تظاهراتی برگزار کردند که شعار محوری آن این بود: "کارفرما حیا کن، افغانی را رها کن". این اقدام نژاد پرستانه، توسط تشکل های کارگری از جمله اتحاد بین المللی، در سطح جهانی افشا و محکوم شد. سازمان جهانی کار نمی تواند ادعا کند که از چنین وقایعی در ایران نا آگاه می باشد.

دستمزدهای معوقه

در گزارش "کمیته متخصصین" تنها نیم صفحه به موضوع تاخیر در پرداخت دستمزدها اختصاص یافته است. طبق ماده ۱۲ مقاوله نامه ۹۵ سازمان جهانی کار، دستمزد ها باید بطور مرتب و در فاصله زمانی معین پرداخت شود. مفاد این ماده بطور مداوم و در سطح گسترده در ایران توسط دولت و کارفرمایان نقض شده است. کمیته متخصصین می گوید که در بررسی خود، گزارش کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۴ در مورد جدی بودن موضوع تاخیر دستمزد ها و نیز اطلاعات ارائه شده توسط دولت ایران را مورد توجه قرار داده است. گزارش می گوید که دولت از بهبود شرایط سخن می گوید. گزارش همچنین اضافه می کند که دولت ایران اشاره می کند که "تحقیقی که از سوی انجمن صنایع نساجی ایران صورت گرفته، نشان می دهد که در صنعت نساجی در سطح کشور چند مورد عدم پرداخت دستمزد وجود داشته که این موارد توسط انجمن و اداره های کار در محل، حل و فصل شده است". گزارش همچنین می نویسد که دولت ایران می گوید که "برای

شناسایی صنایع و موسساتی که با مسئله دستمزدهای معوقه روبرو هستند، نرم افزاری تهیه کرده و آن را در اختیار اداره های کار محلی قرار داده است."

کمیته بدون اشاره به غیر موجه و ساختگی بودن گزارش دولت، به آن استناد می کند و بدتر اینکه در بخش پایانی، تنها به دولت توصیه می کند که به جمع آوری اطلاعات در زمینه دستمزدهای پرداخت نشده بپردازد. بطور مشخص در گزارش آمده است: "کمیته همچنان به دولت توصیه می کند که تمام اقدامات لازم را برای بهبود جمع آوری اطلاعات انجام دهد تا وضعیت دستمزد های معوقه تحت نظارت دقیق و بررسی مداوم قرار گیرد". گزارش برای خالی نبودن عریضه از دولت ایران می خواهد که به گزارش کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری در مورد وضعیت دستمزدهای معوقه پاسخ دهد و در پایان اضافه می کند که دولت ایران مایل به دریافت کمک تکنیکی از سازمان جهانی کار است.

به این گونه کمیته متخصصین سازمان جهانی کار، نقض گسترده و سیستماتیک کنوانسیون ۹۵ در مورد پرداخت منظم و به موقع دستمزدهای کارگران در ایران را پرده پوشی می کند و به جای پاسخگو دانستن دولت در رابطه با دستمزدهای موقعه از دولت می خواهد که به جمع آوری اطلاعات در این مورد بپردازد. گویی مشکل کمبود اطلاعات است. گزارش آگاهانه این واقعیت را نادیده می گیرد که دولت در ایران بزرگترین کارفرماست و در بسیاری از صنایع و موسسات دولتی و نیمه دولتی نیز مانند موسسات خصوصی دهها هزار کارگر با معضل دستمزدهای معوقه روبرو بوده و هستند.

آمار و اطلاعات مربوط به گستردگی عدم پرداخت دستمزدها موجود است و جمع آوری آن ها سهل ترین کار برای نهادهای دولتی و وزارت کار است. بعلاوه اعتصاب، تجمع و اعتراض کارگران علیه دستمزدهای موقعه در گوشه گوشه کشور خود بهترین گواه در عدم پرداخت منظم دستمزدها توسط دولت و کارفرمایان در ایران است. در همان زمانی که هنیت عالی رتبه سازمان جهانی کار در ایران بسر می برد هزاران نفر از کارگران ایران در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد های خود در اعتراض و اعتصاب به سر می بردند.

آمارها و گزارش هایی که توسط رسانه های رسمی در ایران منتشر شده اند و اتحاد بین المللی توانسته است به

آن دسترسی یابد حاکی از تداوم ابعاد گسترده و سراسری معضل عدم پرداخت دستمزد ها است.

طبق این گزارش ها در سال ۱۳۹۳ یعنی سالی که گزارش سازمان جهانی کار به آن پرداخته است در ۳۹۸ واحد تولیدی و خدماتی، کارگران با مشکل عدم پرداخت بموقع دستمزدها دست و پنجه نرم کردند. در ۲۶۹ فقره از این واحد ها بیش از ۸۴ هزار کارگر با مشکل فوق مواجه بودند. و این در حالی است که از تعداد کارگران در ۱۲۹ واحد دیگر که با همین مشکل روبرو بودند، اطلاع دقیقی نیست. بنا به همین گزارش ها کارگران در ۲۰۲ فقره از این واحد های تولیدی و خدماتی در اعتراض به دستمزدهای معوقه، به اعتراض، تجمع و اعتصاب دست زدند. تنها در ۱۱۶ واحد، ۳۳۱۲۰ کارگردراین اعتراضات شرکت داشتند.

این ها تنها گوشه ای از آماری است که به بیرون درز کرده و رسانه ای شده است. در بسیاری از این اعتراض ها کارگران بطور مستقیم مورد حمله و اذیت و آزار و سرکوب نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم قرار گرفتند و تعدادی از آنها دستگیر و یا محاکمه شدند.

وزارت کار و بطور یقین وزارت اطلاعات رژیم، بطور دقیق از موارد، آمار و ارقام و گستردگی معضل دستمزدهای معوقه آگاه هستند. فرو کاستن معضل دستمزدهای معوقه به کم بودن اطلاعات، خاک پاشی بر روی معضلی است که معاش و زندگی دهها هزار کارگر و خانواده آنها را در خطر قرار داده است. در یک کلام باید گفت که دولت ایران نیازی به اجرای توصیه کمیته سازمان جهانی کار مبنی بر جمع آوری اطلاعات ندارد "تا وضعیت دستمزدهای موقعه را تحت نظارت دقیق و بررسی مداوم قرار" دهد. دولت به خوبی از این معضل آگاه است، اما نه فقط اقدامی برای پرداخت دستمزدهای کارگران انجام نمی دهد بلکه بر عکس هر جا نیز توانسته به سرکوب کارگرانی پرداخته است که نسبت به عدم دریافت دستمزد های خود، دست به اعتراض زده اند. به بیان دیگر دولت ایران با خشونت تمام مفاد مقاوله نامه ۹۵ سازمان جهانی کار را نقض کرده است.

جمع بندی:

در سند مبانی سیاست و فعالیت اتحاد بین المللی آمده است:

"سازمان جهانی کار بخشی از سازمان ملل و یکی از نهادهای رسمی سرمایه داری جهانی است که هدف اصلی اش تحمیل سیاست های سه جانبه گرایی به طبقه کارگر است. با این وجود، دست آوردهای طبقه کارگر در مبارزات طولانی و مبارزات مترقی و آزادی خواهانه، باعث شده است که در منشور سازمان جهانی کار و مقوله نامه های مصوب این سازمان، پاره ای از این دست آوردها، از جمله حق ایجاد تشکل های کارگری، حق بستن قرارداد دسته جمعی، آزادی بیان، مبارزه علیه فقر، رفع تبعیض، برابری حقوقی میان مردان و زنان و تامین زندگی شایسته به عنوان بخشی از حقوق اولیه انسان برسمیت شناخته شود. تعدادی از مقوله نامه های این سازمان، دولت های عضو را موظف می کند که این حقوق را در کشور خویش رعایت کنند. از این رو اعتراض به این سازمان نسبت به چشم پوشی از نقض آشکار حقوق برسمیت شناخته شده کارگران توسط جمهوری اسلامی ایران و مبارزه برای اخراج تشکل های دولتی نظیر خانه کارگر، شوراهای اسلامی و کانون عالی انجمن های صنفی کارگری که تحت عنوان نمایندگان کارگران ایران در اجلاس این سازمان شرکت می کنند، بخشی از فعالیت های بین المللی ما را تشکیل می دهد."

بر این مینا، فعالین اتحاد بین المللی، طبق روال هر ساله به فعالیتهای و اعتراضات خود در موارد فوق ادامه داده اند و در ماه ژوئن امسال نیز با حضور در مقابل اجلاس سازمان جهانی کارگر، پخش اطلاعیه های افشاگرانه و مستند به زبانهای انگلیسی و فرانسوی، گفت و گو با نمایندگان کارگری کشورهای دیگر، مصاحبه های مطبوعاتی و نیز برگزاری جلسه با مسئولین بخش استانداردهای بین المللی کار در سازمان جهان کار کلیه موارد فوق را برجسته نمودند. گزارش این فعالیتهای در ضمیمه و در سایت اتحاد بین المللی موجود است.

در جلسه امسال با خانم کورتیس از مسئولین بخش استانداردهای بین المللی کار، در پنجم ژوئن ۲۰۱۵، فعالین اتحاد بین المللی گزارشات مربوط به مبارزات کارگری و سرکوب و اذیت و آزار کارگران در ایران را در اختیار وی قرار داده و مراتب اعتراض شدید خود را نسبت به ادامه بازداشتها، سرکوب و تهدید تشکلات مستقل کارگری در ایران و علیه تشکلات دست ساز حکومتی را کتبا و شفاهاً به این سازمان اعلام داشته اند. فعالین اتحاد بین المللی در مورد سفر "هیئت عالی رتبه سازمان جهانی کار" به ایران در ماه مه ۲۰۱۴ جویا شدند و توضیح دادند که اطلاعات داده شده

از طرف جمهوری اسلامی و گزارش این هیئت کاملاً نادرست و یکجانبه هستند. در این جلسه در مورد کلیه مواردی که در این گزارش به آنها اشاره کرده ایم به اختصار پرداخته شد، از جمله در مورد ستم و تبعیض علیه زنان و اقلیتهای قومی و مذهبی، حملات فاشیستی خانه کارگر به کارگران افغانی و دستگیری فعالین کارگری در آستانه اول مه ۱۳۹۴. ایشان اظهار کردند که دولت ایران را برای اجرای مقوله نامه ها و آزادی کارگران زندانی تحت فشار قرار داده اند و خواهان آزادی کارگران زندانی شده اند.

روشن است تا آنجا که به منافع طبقه کارگر ایران برمیگردد، واکنشها و اقدامات سازمان جهانی کار به جز در موارد معدودی آنها مربوط به برخی آزادیهای موقت و مشروط فعالین کارگری، مابه ازای عملی آنچنانی نداشته اند (رجوع کنید به گزارشات ضمیمه). از این گذشته، "گزارش کمیته متخصصین بر اجرای کنوانسیونها و توصیه نامه ها" که ما در این نوشته بخش مربوط به ایران در این گزارش را بررسی و نقد کرده ایم، کاملاً در توجیه عملکردهای حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران نگاشته شده است و در واقع بر علیه منافع طبقه کارگر ایران و جنبش مستقل کارگری عمل کرده است و لازم است مورد شدیدترین اعتراضات قرار بگیرد. با وجود کلیه موانع فوق، کمکان حائز اهمیت است که اعتراض به رویکرد سازمان جهانی کار در رابطه با جمهوری اسلامی ایران به خصوص آنجا که عملاً توجیه کننده سرکوب کارگران و حتی نقض صریح مقوله نامه ها و اصول بنیادین خود این سازمان توسط جمهوری اسلامی است، تداوم داشته باشد. همچنین باید اعتراض به حضور تشکلات وابسته به جمهوری اسلامی ایران در اجلاس سازمان جهانی کار و دیگر نشستهای بین المللی مربوط به حقوق کارگران ادامه یابد و از نمایندگان تشکلات کارگری و اتحادیه ای از کشورهای مختلف دنیا خواست که این سازمان را تحت فشار قرار دهند که به مذاکره و گفتگو با "تشکلات کارگری" وابسته به رژیم جمهوری اسلامی خاتمه دهد. این شرایط همچنین یادآور این ضرورت است که کارزارهای همبستگی بین المللی کارگری با طبقه کارگر ایران در کشورهای مختلف دنیا می باید تلاشهای خود را جهت جلب همبستگی طبقاتی با طبقه کارگر ایران گسترش داده و این اقدامات را در ابعاد همه جانبه تری سازمان دهند.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

دوم ژوئیه ۲۰۱۵

گزارشات و منابع:

گزارش سازمان جهانی کار در مورد ایران

(سرکوب سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه)

مترجم: ایوب رحمانی

منبع:

http://www.ilo.org/dyn/normlex/en/f?p=1000:50002:0::NO:50002:P50002_COMPLAIN_T_TEXT_ID:3241096

گزارش دوره ای- گزارش شماره 375 ژوئن 2015

پرونده شماره 2508 (جمهوری اسلامی ایران) - تاریخ شکایت : 25 ژوئیه 2006 - همچنان مفتوح

مقدمه

. بررسی پرونده در قبل

. پاسخ دولت (ایران)

. نتیجه گیری کمیته

. توصیه های کمیته

اتهامات: شکایت کنندگان (کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل) مدعی هستند که مقامات دولتی و کارفرما، در چند نوبت بطور مستمر به اقدامات سرکوب گرانه علیه سندیکای کارگران شرکت واحد مبادرت کرده اند، از جمله: اذیت و آزار سندیکالیست ها و فعالین (کارگری)، حمله خشونت آمیز به مجمع عمومی موسس سندیکا، به هم زدن خشونت آمیز مجمع عمومی در دو نوبت، دستگیری و بازداشت تعداد زیادی از اعضای سندیکا و رهبران آن با ادعاهای دروغین (بر هم زدن نظم عمومی، و فعالیت غیر قانونی سندیکایی)

1. 345. کمیته تا کنون هشت بار مفاد این پرونده را مورد بررسی قرار داده است که آخرین بار آن در

نشست مارس 2014 بود که کمیته، گزارش دوره ای خود را به هیئت مدیره ارائه داد { گزارش 371 پاراگراف های 550-569 تایید شده توسط هیئت مدیره در نشست 320 این هیئت (2014) } .

2. 355. دولت (ایران) ملاحظات خود را طی مکاتباتی در تاریخ 18 مارس 2014 و 10 مارس 2015 ارسال کرد.

3. 356. جمهوری اسلامی ایران مقوله نامه آزادی تشکل و حمایت از حق تشکل یابی، ۱۹۴۸ (شماره ۸۷) و مقوله نامه حق تشکل و مذاکره دسته جمعی، مقوله نامه ۱۹۴۹ (شماره ۹۸) را امضا نکرده است.

A: بررسی پرونده در گذشته

1. 357. کمیته در نشست خود در مارس 2014 توصیه های زیر را مطرح کرد { نگاه کنید به گزارش 371 پاراگراف 569 } :

(a) : کمیته از دولت ایران انتظار دارد که بدون تاخیر بیشتر، نتیجه تحقیقات مستقل در مورد اتهام بد رفتاری با آقای ابراهیم مددی، نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، و آقای رضا شهابی، خزانه دار این سندیکا، در زمانی که آنان در حبس بودند را گزارش دهد. بعلاوه کمیته انتظار دارد که چنانچه روشن شد که این اتهامات واقعیت داشته است به این دو رهبر سندیکا غرامت متناسب با آن پرداخت شود. و سرانجام اینکه

کمیته، با دل گرمی از موضع دولت جدید مبنی بر مخالفت با حبس فعالین سندیکایی، از دولت تقاضا دارد که بدون تاخیر، موجبات آزادی مشروط، عفو و رهایی فوری آقای شهابی را از زندان فراهم کند و سایر اتهامات علیه ایشان را کنار بگذارد؛ و همچنین حقوق (قانونی) او را به رسمیت بشناسد و نسبت به صدماتی که به او وارد شده غرامت بپردازد. کمیته از دولت ایران می خواهد که در این مورد به کمیته اطلاع رسانی کند.

(b) : تا هنگام اجرای اصلاحات قانون (کار) کمیته از دولت ایران می خواهد که نشان دهد که چه اقدامات مشخصی در رابطه با به رسمیت شناختن دوافکتوی سندیکای کارگران شرکت واحد انجام داده است، صرف نظر از اینکه این سندیکا به "کانون عالی انجمن های صنفی کارگری" نییوسته است.

(c) : کمیته بار دیگر از دولت ایران می خواهد که گزارشی دقیق از یافته ها و نتایج تحقیق سازمان بازرسی کل کشور و "مرکز حمایت از حقوق بشر" در مورد اتهام ادیت و آزار در محیط کار در دوره تاسیس سندیکای کارگران شرکت واحد از ماه مه تا ژوئن 2005 را ارائه دهد. کمیته یک بار دیگر از دولت ایران می خواهد که با توجه به اطلاعات آشکار شده از طریق این تحقیقات، اقدامات لازم را به عمل آورد تا همه کارکنان شرکت واحد در مقابل هر گونه تبعیض نسبت به آنان به خاطر عضویت در سندیکا و یا فعالیت سندیکایی بطور واقعی مورد حمایت قرار گیرند. کمیته از دولت ایران می خواهد که در این مورد به کمیته اطلاع رسانی کند و همچنین از دولت می خواهد که نسخه ای از حکم دادگاه در مورد دعوی حقوقی سندیکای واحد در پیوند با حمله به نشست های سندیکا در ماه مه و ژوئن سال 2005 را به محض صدور آن، به کمیته ارائه دهد.

(d) : کمیته از درخواست دولت ایران برای کسب همکاری تکنیکی از سازمان جهانی کار جهت آموزش نیروهای انتظامی این دولت به منظور مدیریت صحیح اعتراضات کارگری استقبال می کند و از دولت می خواهد بدون تاخیر، در این باره با دفتر سازمان تماس بگیرد. کمیته از دولت ایران می خواهد که کمیته را از پیشرفت کار در این زمینه مطلع نگه دارد.

B. پاسخ دولت ایران

1. 358. دولت ایران در مکاتبات خود در 18 مارس 2014 و 10 مارس 2015 مجدداً تمایل خود مبنی بر همکاری با "دپارتمان استاندارد های بین المللی کار" را اعلام می کند و اطلاعات زیر را ارائه می دهد. در مورد این اتهام که آقای ابراهیم مددی در زمانی که در زندان بود مورد شکنجه قرار گرفته است، دولت ایران اظهار می دارد که وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی، موضوع را از طریق "ستاد حقوق بشر" (قوه قضائیه) پیگیری کرده است. بر طبق پاسخ دریافت شده از این ستاد از آنجا که طبق قانون اساسی، شکنجه غیر قانونی است آقای مددی در زندان مورد چنین رفتاری قرار نگرفته است. بعلاوه دولت اشاره می کند که آقای مددی بعد از سی سال خدمت در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، بازنشسته شده است. در پیوند با توصیه های مکرر این کمیته مبنی بر آزادی رضا شهابی از زندان، دولت می گوید که آزادی مشروط او از سوی مقامات قضایی مورد قبول قرار گرفته و ایشان در حال حاضر آزاد شده و به سر کار برگشته است.

2. 359. دولت ایران بعلاوه به دیدار هیئت اعزامی بلند پایه سازمان جهانی کار به ایران در ماه مه 2014 اشاره می کند. به گفته دولت ایران، هیئت اعزامی، با نمایندگان دولت و نمایندگان شرکای اجتماعی دیگر (نماینده کارفرمایان و تشکل های کارگری) ملاقات داشته و این امکان را یافته که شاهد عملی شدن حق آزادی تشکل توسط تشکل های کارفرمایی و کارگری باشد. به هیئت اعزامی گفته شد که این تشکل ها نقش قابل توجهی در روند تصمیم گیری ها در سطح ملی ایفا می کنند. بعلاوه دولت بار دیگر تاکید می کند که طرح اصلاحیه قانون کار در مشورت با شرکای اجتماعی (تشکل های کارگری و کارفرمایی) تهیه شده و در حال حاضر در نوبت تصویب توسط پارلمان است.

3. 360. سرانجام اینکه دولت می گوید که در جریان صد و سومین اجلاس سازمان جهانی کار، دولت توافق نامه همکاری با "مرکز جهانی آموزش" وابسته به سازمان جهانی کار را امضا کرده است و متخصصان این مرکز با مقامات دولت و قوه قضائیه ملاقات کرده اند و امکان بر پایی یک دوره آموزشی برای قضات در دست بررسی است.

C - نتیجه گیری کمیته

1. 361. کمیته به خاطر دارد که این پرونده در ابتدا در ژوئیه سال 2006 و در رابطه با اقدامات سرکوب گرایانه علیه سندیکای کارگران شرکت واحد تشکیل شد و شامل موارد زیر است: ادیت و آزار فعالین سندیکایی و کارگری،

هجوم خشونت آمیز به نشست موسس سندیکای واحد، برهم زدن خشونت آمیز مجمع عمومی سندیکا در دو نوبت و دستگیری و بازداشت تعداد زیادی از اعضای سندیکا و رهبران آن با ادعای دروغین (بر هم زدن نظم عمومی و فعالیت غیر قانونی سندیکایی).

2. 362. کمیته، اطلاعات ارائه شده از سوی دولت ایران مبنی بر تلاش دولت در بذل توجه به توصیه های کمیته را در نظر دارد. (a) کمیته به ویژه توجه دارد که در مورد اتهام شکنجه شدن آقای مددی (نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد) در زمان بازداشت، دولت ایران می گوید که "ستاد حقوق بشر" نتیجه گرفته است که با توجه به غیر قانونی بودن شکنجه در قانون اساسی، آقای مددی در زمان بازداشت مورد چنین بد رفتاری قرار نگرفته است. بعلاوه دولت می گوید که آقای مددی بعد از 30 سال خدمت در شرکت واحد تهران و حومه بازنشست شده است. در پیوند با توصیه های مکرر کمیته برای آزادی آقای شهابی از زندان، دولت اشاره می کند که آزادی موقت ایشان توسط مقامات قضایی مورد قبول قرار گرفته و ایشان در حال حاضر آزاد شده و به سر کار باز گشته است.

3. 363. کمیته از عدم انجام تحقیق در مورد اتهام شکنجه شدن آقای مددی در زمان حبس متاسف است. از پاسخ دولت آشکار است که "ستاد حقوق بشر" نتیجه گرفته است که فقط به این دلیل که طبق قانون اساسی، شکنجه ممنوع است، پس آقای مددی مورد شکنجه قرار نگرفته است. کمیته تاکید می کند که در رابطه با اتهامات مبنی برمورد شکنجه قرار گرفتن و یا بد رفتاری در زندان، دولت ها باید در باره این نوع شکایت ها ترتیب یک تحقیق کامل و مستقل فراهم نمایند. کمیته همچنین متاسف است که هیچ اطلاعاتی از سوی دولت به این کمیته در مورد نتایج تحقیق مستقل در باره اتهام مشابه (شکنجه شدن) در رابطه با آقای رضا شهابی (خزانه دار سندیکا) ارائه داده نشده است. بنابراین کمیته از دولت می خواهد که ترتیب تحقیقات مستقل در مورد اتهام بد رفتاری نسبت به آقایان مددی و شهابی در زمانی که زندانی بوده اند را فراهم نماید. بعلاوه کمیته انتظار دارد چنانچه ثابت شد که این اتهامات حقیقت داشته است به هر دو رهبر سندیکا به نسبت غرامت پرداخت شود. کمیته انتظار دارد که دولت بتواند بدون هیچ تاخیر، نتایج این تحقیقات را به کمیته گزارش کند.

4. 364. کمیته ضمن خشنودی از خبر دهی دولت که آقای شهابی در حال حاضر بطور مشروط آزاد شده و به سر کار باز گشته است از دولت می خواهد که بدون تاخیر، آزادی کامل او را از طریق عفو و یا دیگر راهها تضمین کند و سایر اتهامات علیه او را کنار بگذارد، و همچنین همه حقوق قانونی او را ابقا کند و به ایشان به دلیل صدماتی که متحمل شده خسارت بپردازد. کمیته از دولت می خواهد که بطور مرتب در این مورد به کمیته اطلاع رسانی کند.

5. 365. کمیته به این گفته دولت توجه دارد که اصلاحیه قانون کار در مشورت با شرکای اجتماعی تهیه شده است و هم اینک در نوبت تصویب توسط پارلمان است. کمیته به خاطر دارد که این کمیته قبلا طرح اولیه اصلاحیه قانون کار را در چارچوب موضوع شماره 2807 { نگاه کنید به گزارش 371 پاراگراف های 570-579 ماه مارس 2014} مورد بررسی قرار داده است. در آن زمان کمیته ضمن استقبال از ابراز قصد دولت مبنی بر اینکه که می خواهد اطمینان حاصل کند که قانون کار اصلاح شده و مقررات مربوط به آن، با موازین سازمان جهانی کار مطابقت داشته باشد، کمیته نتیجه گرفت در این مقطع روشن نیست که قانون کار و مقررات مربوط به آن تا چه حد از لحاظ حقوقی و نیز در عمل حقوق کارگران را تضمین می کند؛ تا بتوانند گرد هم آیند و بطور مستقل تشکل های مورد علاقه خود را ایجاد کنند، تشکل هایی که ساختارشان اجازه می دهد که اعضا، مسئولان خودشان را انتخاب کنند، تشکلاتی که خودشان مقررات درونی خود را وضع و اجرا می کنند، فعالیت ها و مسایل درونی خود را سامان می دهند و برنامه خودشان را در دفاع از منافع کارگران بدون دخالت مقامات دولتی تدوین می کنند.

6. 366 در این رابطه، کمیته ارجاع دولت ایران به دیدار هیئت بلند پایه سازمان جهانی در ماه مه 2014 را مورد ملاحظه قرار می دهد. کمیته به خاطر دارد که هدف هیئت اعزامی که از سوی "کمیته اجرای استانداردهای اجلاس سازمان جهانی کار" در خواست شده بود، ارزیابی اوضاع در پیوند با مواردی بود که تحت مقاوله نامه 1956 (شماره 111) در مورد تبعیض (کار، اشتغال) مطرح شده بود. بعلاوه کمیته می داند که هیئت اعزامی فرصت این را یافته است که مسایل مربوط به آزادی تشکل در ایران و راه حل های ممکن و چگونگی پیش روی در این امر را با دولت و شرکای اجتماعی آن مورد بحث و بررسی قرار دهد. هیئت اعزامی از ابراز علاقه نمایندگان دولت در سطوح مختلف برای اصلاح قانون کار با این هدف که این قانون در تطابق کامل با اصول سازمان جهانی کار در مورد آزادی تشکل قرار گیرد، استقبال کرده است. و در همین رابطه هیئت اعزامی مطلع شد که متن اصلاحیه قانون کار که در اکتبر 2013 به دفتر (سازمان جهانی کار) ارائه شده بود و از سوی کمیته در ماه مارس 2014 مورد بررسی قرار گرفته بود آخرین اصلاحیه قانون کار نبوده است. بعلاوه کمیته آگاه است که قطع نامه اخیر " کنفرانس ملی کارگری"

National labour Conference خواستار آماده سازی زمینه و مقدمات برای امضا مقاله نامه های شماره 87 و 98 و 138 سازمان جهانی کار شده است.

7. 367. با توجه به اینکه اصلاحیه قانون کار پیشنهادی در حال حاضر برای تصویب به مجلس ارائه داده شده، کمیته انتظار دارد این قانون و مقررات همراه آن بطور موثر و بدون تاخیر به گونه ای اصلاح شود که این قانون در تطابق کامل با اصول آزادی تشکل قرار گیرد و به کثرت گرایی سندیکایی در تمام سطوح فرصت داده شود. کمیته دولت را تشویق می کند که کمک های تکنیکی دفتر سازمان جهانی کار در این مورد را پذیرا شود و در همین رابطه آخرین نسخه متن اصلاحیه قانون کار را به این دفتر ارسال کند؛ با حصول اطمینان از اینکه این طرح در تطابق کامل با اساسنامه سازمان جهانی کار و مقوله نامه های اجرایی قرار دارد.

8. 368 کمیته عمیقاً متأسف است که دولت هیچ توضیحی در مورد اقدامات خود در انجام توصیه های معوق مانده، ارائه نداده است. در ارتباط با به ثبت رسانیدن سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کمیته به خاطر دارد که مانع قانونی ای که در قبل نیز در این مورد مطرح شده بود موضوع انحصار تشکلاتی است که قانون کار کنونی از آن صیانت می کند و به تثبیت رساندن تشکلات خارج از ساختارهای موجود را غیر ممکن می سازد. بنابراین کمیته تا پیش از اجرای اصلاحیه قانون کار، از دولت می خواهد که نشان دهد چه اقدامات مشخصی را در رابطه با به رسمیت شناختن دوفاکتوی سندیکای کارگران شرکت واحد، صرف نظر از نیروستن این سندیکا به "قانون عالی انجمن های صنفی کارگری" انجام داده است.

9. 369 بعلاوه کمیته یک بار دیگر از دولت ایران می خواهد که گزارشی دقیق از یافته ها و نتایج تحقیق سازمان بازرسی کل کشور و "ستاد حقوق بشر" در مورد اتهام بدرفتاری در محیط کار در دوره تاسیس سندیکای کارگران شرکت واحد از ماه مه تا ژوئن 2005 را ارائه دهد. کمیته یک بار دیگر از دولت ایران می خواهد که با توجه به اطلاعات آشکار شده در این تحقیقات، اقدامات لازم را به عمل آورد تا همه کارکنان شرکت واحد نسبت به هرگونه تبعیض به خاطر عضویت در سندیکا و یا فعالیت سندیکایی بطور واقعی مورد حمایت قرار گیرند. کمیته از دولت ایران می خواهد که در این مورد به کمیته اطلاع رسانی کند و همچنین از دولت می خواهد که نسخه ای از حکم دادگاه در مورد دعوی حقوقی سندیکای واحد در پیوند با حمله به نشست های سندیکا در ماه مه و ژوئن سال 2005 را به محض صدور آن، به کمیته ارائه دهد.

10 کمیته به خاطر دارد که قبلاً از درخواست دولت ایران مبنی بر کسب همکاری سازمان جهانی کار برای آموزش دهی به نیروهای انتظامی جهت مدیریت درست اعتراض های کارگری استقبال کرده است و انتظار دارد که دولت ایران هر چه زودتر در این باره با دفتر سازمان جهانی کار تماس بگیرد. بعلاوه کمیته توجه دارد که دولت ایران علاقه نشان داده است که در همکاری با مرکز آموزشی-سازمان جهانی کار یک دوره آموزشی در مورد استانداردهای جهانی کار را برای قضات برپا نماید. کمیته از دولت ایران می خواهد که کمیته را از پیشرفت کار در این زمینه آگاه نگه دارد.

توصیه های کمیته

1-371 با در نظر داشتن نتیجه گیری فوق، این کمیته از هیئت مدیره (سازمان جهانی کار) تقاضا می کند که توصیه های زیر را به تصویب برساند:

(a) کمیته از دولت ایران می خواهد که ترتیب یک تحقیق مستقل در مورد اتهام بد رفتاری با آقای ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد، و آقای رضا شهابی خزانه دار سندیکا زمانی که آنها در حبس بودند را فراهم کند. بعلاوه کمیته انتظار دارد چنانچه مشخص شد که این اتهامات حقیقت داشته است، به این هر دو رهبر سندیکا به همان نسبت خسارت پرداخت شود. کمیته انتظار دارد که دولت ایران این توانایی را خواهد داشت که نتایج تحقیق در این زمینه را بدون تاخیر بیشتر، گزارش دهد.

(b) کمیته از دولت ایران می خواهد که بدون تاخیر بیشتر، آزادی بدون قید شرط آقای رضا شهابی را از طریق عفو و یا راههای دیگر فراهم کند، سایر اتهامات علیه ایشان را نادیده بگیرد، همچنین تمام حقوق قانونی ایشان را ابقا

نماید و به خاطر صدماتی که به ایشان وارد شده است به او خسارت بپردازد. کمیته از دولت می خواهد که در این مورد به کمیته اطلاع رسانی کند.

(c) کمیته انتظار دارد که قانون کار و مقررات مربوط به آن بدون تاخیر به گونه ای اصلاح شود که این قانون در تطابق کامل با اصول آزادی تشکل، که شامل کثرت گرایی سندیکایی در همه سطوح باشد، قرار بگیرد. کمیته دولت را تشویق می کند که در این رابطه کمک تکنیکی دفتر (سازمان جهانی کار) را بپذیرد و در این چارچوب آخرین طرح اصلاحیه قانون کار را به این دفتر ارائه دهد؛ به این منظور که اطمینان حاصل شود که این طرح در تطابق با اصول آزادی تشکل، آن گونه که در اساسنامه سازمان جهانی کار و دیگر مقاوله نامه های مربوط به آن آمده، قرار دارد.

(d) تا هنگام اجرای اصلاحات قانون (کار) کمیته از دولت ایران می خواهد که نشان دهد چه اقدامات مشخصی در رابطه با به رسمیت شناختن دوفاکتوی سندیکای کارگران شرکت واحد انجام داده است، صرف نظر از اینکه این سندیکا به "کانون عالی انجمن های صنفی کارگری" نیپوسته است.

(e) کمیته بار دیگر از دولت ایران می خواهد گزارشی دقیق از یافته ها و نتایج تحقیق سازمان بازرسی کل کشور و "ستاد حقوق بشر" در مورد اتهام بدرفتاری در محیط کار در دوره تاسیس سندیکای کارگران شرکت واحد از ماه مه تا ژوئن 2005 را ارائه دهد. کمیته یک بار دیگر از دولت ایران می خواهد که با توجه به اطلاعات بدست آمده از این تحقیقات، اقدامات لازم را به عمل آورد تا همه کارکنان شرکت واحد نسبت به هرگونه تبعیض به خاطر عضویت در سندیکا و یا فعالیت سندیکایی بطور واقعی مورد حمایت قرار گیرند. کمیته از دولت ایران می خواهد که در این مورد به کمیته اطلاع رسانی کند و همچنین از دولت می خواهد که نسخه ای از حکم دادگاه در مورد دعوی حقوقی سندیکا واحد در پیوند با حمله به نشست های سندیکا در ماه مه و ژوئن سال 2005 را به محض صدور آن، به کمیته ارائه دهد.

(f) با یادآوری اینکه کمیته، پیش تر، از درخواست دولت ایران از سازمان جهانی کار برای ارائه همکاری تکنیکی جهت آموزش نیروهای انتظامی به منظور مدیریت مناسب اعتراض های کارگری استقبال کرده است، از دولت می خواهد که در این زمینه بدون تاخیر با دفتر (سازمان جهانی کار) تماس بگیرد. بعلاوه کمیته توجه دارد که دولت ایران پیش تر اعلام تمایل کرده بود که دوره آموزشی در مورد استانداردهای جهانی کار برای قضات برگزار کند. کمیته از دولت می خواهد که کمیته را در جریان چگونگی پیشرفت کارها در این مورد قرار دهد.

(g) کمیته از هیئت مدیره (سازمان جهانی کار) تقاضا دارد که به این پرونده بسیار سنگین و اضطراری، توجه ویژه ای مبذول دارد.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران : "هیئت جمهوری اسلامی در اجلاس بین المللی کار، نماینده واقعی کارگران نیست"

حضور نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در اجلاس سازمان بین المللی کار در ژنو، مورد اعتراض تشکلهای کارگری مخالف قرار گرفت. این تشکلهای می گویند که هیئت اعزامی از تهران، نماینده واقعی کارگران ایران نیست. صد و چهارمین اجلاس سالانه سازمان بین المللی کار از 11 تا 26 خرداد برگزار می شود. ایران از آغاز تشکیل این سازمان در آن عضویت دارد.

«اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران» نماینده های خود را به ژنو فرستاد تا برای مسئولان سازمان بین المللی کار، وضعیت "حقیقی" کارگران ایرانی را توضیح دهند.

علیرضا نوایی عضو این تشکل، در بازگشت از ژنو به رادیو بین المللی فرانسه گفت که نمایندگان «اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران» در دیدار با خانم کارن کورتیس، مسئول امور سندیکایی سازمان بین المللی کار، توضیح داده اند که هیئت ایرانی «توسط دولت انتخاب شده است» و مشروعیت ندارند.

به نوشته خبرگزاری‌های رسمی ایرانی، علی ربیعی، وزیر کار جمهوری اسلامی ایران برای شرکت در صد و چهارمین اجلاس سالانه سازمان بین‌المللی کار به ژنو رفته است. این خبرگزاری‌ها می‌افزایند که وزیر کار همراه با «نمایندگان گروه‌های کارگری و کارفرمایی» در اجلاس شرکت می‌کند.

اما به موازات این هیئت، نمایندگان «اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران» به خانم کارن کورتیس در مورد تبعیض‌ها، عدم پرداخت حقوق کارگران و همچنین کارگران زندانی در ایران گزارش داده‌اند. وضعیت کارگرانی که برای مطالبه حقوق خود دست به اعتصاب زده و سپس بازداشت یا اخراج شده‌اند نیز به اطلاع مسئول امور سندیکایی سازمان بین‌المللی کار رسیده است.

«اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران» در سال ۲۰۰۰ تشکیل شد. سایت رسمی این تشکل کارگری، اهداف خود را «پشتیبانی از مبارزات کارگری برای بهبود شرایط کار و زندگی در ایران، دفاع از مطالبات جنبش کارگری، از جمله حق برخورداری از تشکلهای آزاد و مستقل کارگری و حق اعتصاب» ذکر می‌کند.

ایران از زمان ایجاد سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۱۹ عضو آن است. این سازمان به دنبال جنگ جهانی اول به وجود آمد و سپس در پی جنگ دوم و شکل‌گیری سازمان ملل متحد، به عنوان نخستین آژانس تخصصی در سال ۱۹۴۶ به سازمان ملل متحد محلق شد.

گوش کنید:

http://www.etehadbinalmelali.com/HTML_2015/17_khordad_94_Jeneva_etehad.html

گفتگوی فرهاد شعبانی با رفیق علیرضا نوائی "درباره اجلاس سازمان جهانی کار" 2015-06-10

ببینید <<< داونلود >>>

رادیو ندا : اعتراض به حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار

گزارش رادیو ندا از آکسیون اعتراضی در مقابل مقر سازمان جهانی کار (ILO) در ژنو به حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در اجلاس ؛ در گفتگو با علیرضا نوائی از اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران.

گوش کنید: <http://www.radioneda.de/2015/06/08/Zhenev150608.mp3>

http://www.etehadbinalmelali.com/HTML_2015/17_khordad_94_Jeneva.html

تصاویری از اعتراض به حضور هیئت جمهوری اسلامی در اجلاس بین‌المللی کار

http://www.etehadbinalmelali.com/HTML_2015/19_khordad_94-tasviri.html

گزارش کمیته متخصصین بر اجرای کنوانسیونها و توصیه نامه ها

Application of International Labour Standards 2015 (I) & (II)

http://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_norm/---relconf/documents/meetingdocument/wcms_343022.pdf

http://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_norm/---relconf/documents/meetingdocument/wcms_351469.pdf

**They are not real Workers' Delegates.
They are agents of the Iranian Regime:**

Delegate: **OLIYA ALIBEIKI**, Head, High Coordination Centre for Islamic Labour Councils (A govern-sponsored group. Someone that calls himself a "Soldier of the Velayt-e Faghigh")

Adviser and substitute delegate:

GHOLAMREZA ABBASI, Advisor, High Coordination Centre of Trade Unions (Another sham organization)

CHANGIZ GHASSEMI, Advisor, High Coordination Centre for Islamic Labour Councils.

ABOLFAZL FATHOLLAHI, Advisor, High Coordination Centre of Trade Unions.

SEYED MOHAMMAD YARAHMADIAN, Advisor, Confederation of Iranian Workers Representatives (Another soldier of Velat-e Faghigh).

MAJID FIRDOUZABADI, Advisor, Confederation of Iranian Workers Representatives (Another agency of the IRI).

MOHAMMAD HAMZEH, Advisor, Worker's House.

ALIREZA MAHJOUR, Secretary General, Worker's House (Workers' House has been directly involved in repression of workers and labour activists in the past three and half decades).

*As you may recall, Within the last few years many independent labour organizations and activists in Iran have been sending open letters to the ILO conferences, in which they have addressed the very difficult social, economic and political conditions afflicting Iran's workers and emphasized that Iranian workers are living and working under great hardship and adversity. They have even addressed various violations of the Iranian Labor Law, which supposedly include some of the ILO's conventions. They highlighted a number of urgent issues including the official wage rates, which is four time below the poverty line, continued privatization and liberalization of the Iranian economy, which have resulted in massive joblessness, depletion of industrial production and a growing corruption and income and wealth gaps.

Discrimination in employment based on gender and religion and the country of origin is another seriously problematic aspect of the labour relations in Iran. Many workplaces consistently refuse to hire anyone from religious minorities. Afghan workers are constantly under the harshest working conditions. They are being treated oppressively by employers and government officials. The latest attacks on Afghan and other migrant workers come from the "Workers' House of the Islamic Republic of Iran" and its Islamic Labour Councils. These government-sponsored organizations continue to be sending delegates to the ILO conferences in the name of workers of Iran but are engaged in one of the most racist and discriminatory practices against Afghan workers in Iran. At their May Day event this year, they carried large banners and placards demanding the expulsion of Afghan workers blaming them as the cause of the ever-increasing unemployment in Iran.

It is an internationally well-known fact that women in Iran are subject to various types of discrimination in education and employment. Different directives prevent them from certain professions altogether. Women's aggregate rate of employment is still below 15% of the total workforce. In fact, women's rate of employment was reduced to under 12 percent last

year and their unemployment rate is above 43 percent. Last year, a third of working women who used maternity leave of absence were subsequently fired from their positions. Specifically from 145,000 women who took off for six months from work due to pregnancy 47,000 were fired. There are about 5000 cases of grievance by women workers due to such illegal firings. In addition, IRI's parliament last year passed a controversial law further institutionalizing Gender-Apartheid and formally separating women from men at various work sites.

These are clearly violation of fundamental conventions particularly convention No. 111. However, "Report of the Committee of Experts on the Application of Conventions and Recommendations" prepared for the 104th Session of the International Labour Conference, in June 2015, suggests that there have been improvements to the application of the Convention 111 in Iran. This is very shocking to us and all workers and independent workers' organizations in Iran and we have to question the root causes and political motivations behind such reports.

Part II of the above report, on page 14, states that "A high-level mission was undertaken by the Office from 4 to 8 May 2014. The objective of the mission was to assess and discuss with constituents and other stakeholders issues relating to discrimination against women, and religious and ethnic minorities, their equal opportunities with respect to education, training, employment and occupation, and relevant legislative matters. The mission also had the opportunity to discuss the latest developments concerning freedom of association in the country and possible solutions and the way forward with the Government and the social partners." And part I of the report on page 260 states that the above high-level mission "held extensive discussions with representatives of the Government, workers' and employers' organizations and other stakeholders."

We have to emphasize that this is news to workers and independent labour organizations in Iran. No real labour activist or independent worker organization in Iran, was approached, contacted or otherwise consulted in any form or shape during this "High-level mission's" visit to Iran in May 2014. "The "workers' organizations" referred above are universally known to be government agencies and are part of the establishment of the Islamic Republic of Iran. Therefore, such meetings with these bodies have no legitimacy from the perspective of workers and independent organizations in Iran.

Regarding Conventions 87 and 98, although the IRI has not ratified these two conventions, its government, according to various replies to the ILO's standards' committee, claims to be committed to the protection of labour standards and freedom of association. And there are other conventions that obligate the IRI to concurrently respect the basic rights of workers stipulated in Conventions 87 and 98. However, workers in Iran are not seeing any improvement in their conditions especially when it comes to their right to organize for their most basic demands.

In particular, regarding the FOA's Case Number 2508, which is related to persecution, prosecution and oppression of members of the Syndicate of Workers of Tehran and Suburbs Bus Company no considerable improvements, contrary to the responses of the IRI to the ILO, have been observed. In fact, we have witnessed worsening trends. As you know, Mr. Ebrahim Madadi was recently arrested, along with Mr. Davoud Razavi, and they were released on 100 million toman bail after 22 days of detention. They will most likely face new trials. Reza Shahabi is currently on medical leave, but he was prosecuted and sentenced to additional imprisonment in recent months for an incident related to the security forces' brutal attacks/raids on political prisoners in Evin Prison on April 17, 2014.

The Vahed Syndicate submitted a request to the Ministry of Labour on May 30, 2015 in which they stated that "Drivers and employees of the Tehran and Suburbs Vahed Bus Company re-established their Syndicate after holding their general assembly on Khordad 13, 1384 (June 3, 2005); since then they have repeatedly attempted to facilitate the conditions for holding another general assembly to elect new executive board members but each time this was not possible due to pressures from intelligence forces. Therefore, the Vahed Syndicate is requesting that the Ministry of Labour, which is also expected to be a custodian for creation of a favorable atmosphere for the formation of independent trade unions, to assign and announce a place for holding a general assembly of the Syndicate of Workers of Tehran and Suburbs Bus Company Syndicate". However, on June 1, 2015, Mr. Delavar Nazari, the Director General of Workers' and Employers' Organizations at the Ministry of Cooperatives, Labour and Social Welfare told ILNA that according to the provisions of Chapter VI of the Labour Law, workers are only allowed to form one of the three organizations: Islamic Labour Councils, trade associations, or electing a worker representative. Mr. Nazari continued that "On this basis, according to the conditions foreseen in the labour law, no other labour organization under the name of Syndicate is authorized to function in workplaces subject to labour law."

Delavar Nazari's response clearly demonstrates and reaffirms that this government does not intend to recognize independent workers' organizations and their responses to the complaints related to the Freedom of Association are merely to satisfy the ILO's procedures without in deed committing themselves to any structural changes with sustainable and positive improvements in favour of independent worker organizing.

The attached IASWI Special Bulletin also highlights the new waves of arrests and prosecution of labour activists in Iran and the continued imprisonments of many other activists for the past five years. In fact, unlike the claims stated in the above report, under the government of Hassan Rouhani we have witnessed ever-increasing neo-liberal and anti-worker policies and increased harassment of workers and labour activists in Iran. The Rouhani government is as much committed to the capitalist system and its inhuman casualties as the previous governments of the IRI.

As far as the so called representatives of the Iranian workers at the ILC are concerned, the IRI claims that the “three most representative workers’ confederations” are “the Confederation of Workers’ Trade Unions”, “the High Council of Workers’ Representatives” and “the Confederation of the Islamic Labour Councils”. However, as it has been countless times stated loud and clear by various organizations and activists within the Iranian labour movement, the above groups are in no way endorsed by Iranian workers' syndicates and other independent worker organizations. These are institutions whose bylaws and programs are set by the labour ministry. Even “representatives” of workers must also pass the requirements of the labour ministry, in order to qualify as a “delegate.” These organizations and their representatives fully and publically support the entire establishment and the regime of the Islamic Republic of Iran; their delegates openly call themselves “Soldiers of Velayat- Faghih”.

It is long overdue that the credentials for these so called “worker representatives” of the Islamic Republic of Iran be revoked entirely. We reiterate the demands of our fellow workers in the independent Iranian labour movement that these so called “labour representatives” must be expelled from the ILC and replaced by real workers and their independent organizations.

Finally, we would like to raise serious concerns about the recent waves of arrests and persecution of labour activists across Iran, from Tehran to Kurdistan. We have well-known labour activists like Mahmoud Salehi, who has almost lost his kidneys, while in solitary confinement within the last few weeks. We have workers like Yousef Abkharabat who is losing his eyes because the prison authorities refuse to allow him treatment outside prison because he is not “cooperating” with them. We have well-known workers like Shahrokh Zamani, Mohamamd Jarahi, Behnam Ebrahimzadeh and Rasoul Bodaghi, who have been suffering for years in brutal and notorious prisons of the IRI on frame-up charges only because they have been standing for the most basic rights of workers. That’s why it is crucial that the plight of these workers is highlighted at the ILC and urgent calls are made for their immediate and unconditional freedom.

**Addressed to the ILO’s Officials and ILO Workers’ Groups at the International Labour Conference, June 2015*

International Alliance in Support of Workers in Iran (IASWI)

.....
بولتن ویژه انگلیسی – فرانسوی، در هشت صفحه

IASWI Bulletin - Special Edition In English and French Workers in Iran

June 5, 2015

info@workers-iran.org / www.workers-iran.org

Volume 5, Number 2

In this issue:

- Another wave of arrests and repression of labour activists in Iran – updated June 02, 2015
- A Call From Syndicate of Workers of Tehran and Suburbs Bus Company
- A Brief Look at workers' struggles in Iran in 1393 (March 21, 2014 to March 20, 2015)
- Joint May Day Resolution of Independent Iranian Workers' Organizations
- Le refus du ministère du travail pour tenir une assemblée générale du syndicat de la Compagnie de transport Vahed.

Another wave of arrests and repression of workers and labour activists in Iran – updated June 5, 2015

Since April 2015 many workers and labour activists in Iran have been arrested, detained or summoned by the security and intelligence forces of the Islamic republic of Iran. We condemn the ongoing persecution and arrests of hundreds of labour activists in Iran and members of independent workers' organizations. All those who have been detained, imprisoned or otherwise punished as a result of exercising their internationally recognized labour and human rights must be immediately and unconditionally released. All harassment of them must cease. We are asking workers' groups at the 104th session of the International Labour Conference to increase pressures on the Islamic Republic of Iran and its representatives at the ILC to respect and fully honor the right of all workers to organize into the organization of their choice, elect their own representatives, and advocate freely in defense of their interests and for the right to protest, including on May Day, and strike.

Information about the situation of recent arrestees:

Messrs. Ebrahim Madadi, Vice-President, and Davoud Razavi, board member, of the Syndicate of Workers of Tehran and Suburbs Bus Company, were arrested in the early hours of Wednesday, April 29, 2015 and transferred to the Evin prison. They were released after 22 days of incarceration on May 20, 2015 on 100 million toman bail. This means that they will most likely face trials in near future.

Mahmoud Salehi, a well-known labour activist and member of the Coordinating Committee to Help Form Workers' Organizations, and Osman Ismaili, labour activist and spokesperson of the Workers' Defense Committee of Mahabad, respectively were arrested in the cities of Saez and Mahabad on April 28, 2015. Osman Ismaili was released on..., and Mr. Salehi was released on May 30th after his health conditions deteriorated significantly and the authorities contacted his family in order for him to be transferred to a hospital for treatment. Mr. Salehi has informed the public that through interviews after his release that he almost lost his only functioning kidney in solitary confinement. He has also publically declared that the order for his arrest came directly from Tehran as opposed to the provincial authorities. He was incarcerated by the intelligence services of the City of Sanandaj.

Jafar Azimzadeh and Jamil Mohammadi, labour activists and members of the board of the *Free Union of Iranian Workers*, have respectively been sentenced to 6 and 3.5 years in prison. Mr. Shahpour Ehsanirad, also a board member of the *Free Union of Iranian Workers*, was arrested by the Islamic Republic security forces on May 16, 2015.

According to reports published by *Free Union of Iranian Workers*, Shahpour Ehsanirad was arrested on an order from the Saveh Prosecutor and charged with "inciting workers of the Safa Pipe and Rolling factory". Mr. Ehsanirad, who had been terminated from his job at Saveh's Profil Factory, had been taking part in the Safa Pipe and Rolling factory workers' strikes. The strikes at Safa Pipe and Rolling began on April 22, 2015 and still continues. The strike was triggered by management's failure to pay the workers over the past five months or their insurance premiums for the past 17 months. The Free Union of Iranian Workers further adds that management has refused to even pay at least one month of the workers' back wages as a step in the negotiations to end the strikes. Mr. Jafar Azimzadeh who is the Chair of the Free Union of Iranian Workers was also arrested on May 24, 2015 after accompanying the family of Mr. Ehsanirad to the Saveh Court. He was charged with disturbing public opinions by publishing the news related to the Safa Pipe and Rolling factory workers strike.

On Wednesday, April 29, 2015, Pedram Nasrollahi, another well-known labour activist and member of the Coordinating Committee in the city of Sanandaj, was arrested by plain clothes agents who raided the home of a friend where Pedram and his wife were visiting. According to the Coordinating Committee, the agents, without a warrant or any explanations, punched and kicked Pedram in front of his wife and the owner of the house and took him to the custody. He was released on 30 million toman bail on June 2, 2015.

During the past two months Reza Amjadi, Kourosh Bakhshandeh, Hamed Mahmoudnejad and Nezaam Sedeghi, all labour activists and members of the Coordinating Committee, and Fouad and Aram Zandi, both labour activists in Sanandaj, along with Manizheh Sadeghi, children's and women's rights activist, were arrested and incarcerated by security and intelligence forces. Fouad and Aram Zandi, who were arrested on April 14, 2015, were released on 100 million toman bail on Saturday, May 30, 2015. Ms. Manizheh Sadeghi was also released on May 30, 2015 after two months of detention since March 30, 2015.

In addition, Ribwar Abdullahi, labour activist and member of the Coordinating Committee, was imprisoned on April 11, 2015 after being sentenced to one year in prison; he is currently serving his prison sentence in Sanandaj.

Yousef Abkharabat and Vahed Seyede, labour activists and members of the Coordinating Committee in Mahabad, each have been given two years imprisonment and are currently serving their sentence. Hassan Rasoulnejad, another labor activist and member of the Coordinating Committee have been given one year jail time. Yousef Abkharabat has eye problems. Due to a lack of any medical attention for his eyes and since he has not received a single medication or care for his ailing eyes the condition of his eyes have seriously deteriorated and now he could barely see anything and has practically no vision. Although his family members, including his wife, have repeatedly gone to authorities and informed them of his medical needs he still has not been sent to any hospital or eye care specialist. They have been told that in order to approve a medical leave for Mr. Abkharabat he has to "cooperate" with the prison authorities.

Hadi Tanoomand and Jamal Minashiri, both labour activists and members of the Coordinating Committee, each have been given 3.5 years prison terms and are awaiting the verdict by the appeal court. Ghasem and Ebrahim Mostafapour and Mohammad Karimi, labour activists and members of the Coordinating Committee, each were sentenced to 2 years in prison and they are currently waiting for the Court of Appeal. And Farad Mordvinia, another member of the Coordinating Committee, is awaiting a court verdict.

In recent months, the first sentences after the trials against 30 workers following their participation in last year's protests in Chadormalu Mine have been issued. Five of these workers, who were charged with "disrupting the order and preventing the rights of others", have been sentenced to a year imprisonment and flogging.

It is also crucial to highlight that a number of other labour activists continue to be incarcerated and persecuted incessantly. Well-known labour activists in Iran, Shahrokh Zamani and Mohammad Jarahi, have been imprisoned since June 2011 and Behnam Ebrahimzadeh, another well-known labour activist, have been imprisoned since June

2010. Reza Shahabi, also imprisoned since June 2010, is currently on medical leave due to surgeries and deteriorating health conditions as the result of the mistreatments he had endured while in prison. Rasoul Bodaghi, a member of the Tehran Teachers' Trade Associations, is incarcerated since September 2009.

A Call From Syndicate of Workers of Tehran and Suburbs Bus Company

To: international labour organizations: the Workers' Group of the International Labour Organization, the International Transport Workers' Federation, CGT, CFDT and France trade unions' collective, and the International Trade Unions Confederation

With warm greetings,

We would like to thank you all wholeheartedly for your support of Messrs. Ebrahim Madadi, Reza Shahabi and Davoud Razavi and our sacked colleagues, Messrs. Hasan Saeidi, Vahid Feraydouni, Naser Moharamzadeh, Hossein Karimi Sabzevari and Ms. Farahnaz Shiri, the first female driver at the Vahed Bus Company. We are asking you as concerned labour organizations internationally to address the obstacles facing our Syndicate at the upcoming International Labour Conference in June 2015; especially issues related to arrests, imprisonments, sacking, prosecution and police scrutiny against the Vahed Company's Workers' Syndicate; we are asking you to defend the fundamental rights of workers in Iran and that of the Vahed Syndicate according to the international labour standards conventions. We would also like to ask you to raise the above matters with the delegation representing the government of the Islamic Republic of Iran and asking them to take the necessary measures in order to improve the conditions for independent labour activities in Iran.

Thank you very much.

Syndicate of Workers of Tehran and Suburbs Bus Company

May 25, 2015

www.vahedsyndica.com

vsyndica@gmail.com

A Brief Look at workers' struggles in Iran in 1393 (March 21, 2014 to March 20, 2015)

Full report in English: <http://goo.gl/c04WcG>

Last year was a period of increasing labor protests, struggles and strikes for Iranian workers. Workers' demands in those protests and strikes could be categorized into six types:

- 1) *Demands for wage increase*
- 2) *Demands for payment of wages*
- 3) *Protests against expulsions and lay-offs*
- 4) *Protests against temporary work contracts, protests against contracting companies and demands for turning temporary work contracts into permanent, formal work contracts with job security*
- 5) *Demands for improvement in work conditions and safety standards on work sites*
- 6) *Protests against privatization.*

Based on a collection of all reported activities (keeping in mind that some protests went on unreported) during last year workers in 365 centers of production or services were engaged in protests, assemblies and strikes. In some of these locations workers were engaged in protests more than once. Keeping in mind the frequency of labor protests in production and service units plus the protests from Teachers, Nurses and Retirees in 2014 the labor movement in Iran witnessed an expansion of protests not only in terms of the numbers and frequency of protests and strikes but also in terms of participants there was a definite increase in number of workers involved in those protests as well.

Economic and political context of workers' struggles

Increase in workers' protests occurred in a context of ever worsening economic and political conditions and is essentially a reaction to such adverse situation. the main characteristics of these unfavorable circumstances are:

- Decreasing purchasing powers of working class families
- Decreased job security and an increase in mass lay-offs: Temporary work contracts have dominated the labor markets in Iran in the past decade and they are coupled with closing or partial closing of various factories and service centers. Construction sector has experienced a massive slump and thousands of construction workers remain unemployed.
- A continued absolute lack of Rights for all workers: In 2014 Islamic Republic was violating even the meager legal protections of its own Labor Code and new anti-Labor laws were introduced and implemented.
- Worsening of safety conditions on work sites: A lowering of safety standards at work has led to a direct increase in accidents and fatal injuries for workers.
- Flagrant repression of all independent workers' organizations and a nation-wide crackdown on any and all attempts to create any autonomous workers formations: All independent labor activists in Iran were subjected to blatant, systematic repression in last year. Labor activists were summoned to appear in courts, have been arrested, incarcerated, violently interrogated, tortured, exiled and in general all workers' initiatives for independent formations have had to pay a very high price for their activism.
- Expulsion of protesting workers or imposition of financial fines on labor activists.
- Direct intervention of the Judiciary, security and military forces in suppression of workers' protests: There was an increased coordination between management (in public and private sectors) and judiciary, security and the military in crack down of labor protests and imposition of unjust sentences on labor leaders, sending them to jail or exile.
- An increase in state sponsored labor activities attempting to displace workers' independent initiatives. Last year state sponsored labor formation tried to obtain international recognition as genuine workers' organizations in Iran. The goals of these state sponsored formations remain the same as before; becoming leaders of workers' protests and diverting the protests. Creating divisions and fissures within workers and labor activists and thus complementing regime's oppressive policies from within the ranks of labor movement in Iran.

*For the full version of this report in Farsi, please refer to the link below. The above English version is a summary of "A brief look at the struggles and protests by workers in 1393" which was published in Farsi.
http://www.etehadbinalmelali.com/HTML_2015/28_Farvardin_94_etehad.html

Joint May Day Resolution of Independent Iranian Workers' Organizations – May 1, 2015

Today, we have come together in solidarity at a time when a large and united movement of workers, teachers, nurses and other toiling masses in Iran is in the process of formation around the issue of subsistence and ending poverty and squalor.

The occurrence of tens of workers' strikes around the country, endless gatherings of teachers, united protests of nurses and the expansion of workers' struggles in the form of participation by family members at protests, petitions, gatherings in front of the parliament and Ministry of Labor and daily protests in key industries such as petrochemical, mining and automobile production, all reveal aspects of the objective development of this social movement. By creating powerful, united and nationwide protests, this movement aims to challenge the absolute lack of rights and deprivation imposed on millions of working class families.

This movement is gaining ever broader dimensions under the following circumstances: The capitalist system which rules Iran is the scene of a struggle over how to plunder a larger share of our wages. It cannot and does not want to put an end to the existing unbearable situation. That is why it has ratified a monthly minimum wage of 712,000 Tomans (\$235) and shamelessly congratulates us on such a humiliating wage. It ferociously steals from this meager and shameful wage by not paying it on time, by cutting subsidies, increasing prices daily, removing the controls on the price of bread, and imposing a 9% value added tax on staple good. By repressing justified labor protests, holding mass trials of protesting workers and sentencing them to flogging and long prison terms, it aims at forcing the Iranian working class to submit to the present situation and to something even more miserable.

There is no doubt that imposing increasing poverty and squalor on millions of working class families and further intensifying the repression against labor protests will not create an escape for the capitalist system that dominates Iran. Rather, workers and all of Iran's toiling people are being challenged to enter a defining battle against the existing situation. Soon, in the face of such lack of rights, repression, desperation and hopelessness concerning the inability to earn our basic subsistence, the boiling anger of Iran's workers and toilers will weaken the ground on which the agents and perpetrators of this situation stand. Thus, we the undersigned warn against the continuation of the policies which impose poverty and squalor, and the unprecedented intensification in the repression of labor protests. In denouncing the continuation of such policies, we state our demands as the following and insist that these demands be met:

1. We condemn the 712,000 Toman (\$235) monthly minimum wage which has been imposed on the working class through a puppet show involving the government, managers, so-called labor representatives and the deceptive atmosphere created by official and government media. We strongly demand an immediate revision of the official minimum wage and its increase to 3,000,000 Tomans (\$1000) per month based on the cost of a consumer basket of goods and services according to modern living standards.
2. We wholeheartedly defend the justified and relentless protests of teachers and nurses. The unity and oneness of the struggles of all Iranian toilers and the increasing manifestation of this unity as a social and nationwide struggle is the only way to end the existing deprivation. We call for the immediate realization of all the demands of teachers and nurses.
3. We strongly condemn the efforts of the government and the House of Labor¹ (official labor union) to impose state-sponsored unions on Iran's working class. These are unions which are organized from above through the creation of guilds and so-called associations. We call for the creation of syndicates, councils and independent labor organizations by workers at worksites, demand an end to any prohibition and limitation on the creation of these organizations, and oppose the intervention of the government and managers in these organizations.
4. We strongly condemn any repression of labor and popular protests. We condemn widespread executions and abominable verdicts which call for flogging and long prison terms for protesting workers, or impose inhuman conditions on imprisoned labor activists and other prisoners. We demand an immediate end to executions, the

abolition of the death penalty and flogging, the immediate and unconditional release of all workers and political prisoners, and an end to legal proceedings against them.

5. The unconditional right to strike, protest, march, assembly, freedom of speech, opinion, association and press should be recognized as self-evident and irrevocable social rights of workers and all the people of Iran.
6. Workers' unpaid wages must be paid immediately and without any excuses. Any delay in the payment of wages must be subject to legal action, and workers must be indemnified for any damages caused by such late payment.
7. We demand guaranteed job security, an end to enslaving temporary labor contracts, and "blank check" contracts [which include no rights and benefits for workers—tr.], the elimination of temporary labor and labor contracting agencies, the extension of labor law protection to all workers employed by small workshops and all workers employed in free enterprise zones, and the introduction of immediate insurance coverage for construction workers.
8. We strongly condemn the ratification of any anti-labor legislation under any title. By pointing out the existence of anti-labor articles in the existing labor law, we demand that it be changed through the intervention of genuine representatives of workers.
9. We consider the daily increase in the number of deadly and injurious workplace accidents to be the result of the managers' unreal expectations, the profit motive, and the obliteration of workers' most basic human and social rights. We demand the immediate enforcement of the highest safety standards at the workplace.
10. The expulsions and layoffs of workers under any pretexts have to be stopped. All who are unemployed or have reached the age of employment and are not employed, should benefit from unemployment insurance compatible with modern living standards.
11. All laws which discriminate against women should be abolished immediately. Complete and unconditional equality of women and men in all arenas of social, economic, political, cultural and family life should be recognized.
12. All retirees should benefit from a comfortable life, and any discrimination or inequality in the payment of pensions and benefits should be removed. While we insist that one of the government's main responsibilities is to provide free healthcare as a fundamental right of the people of Iran, we demand the reversal of the plan to combine the social security fund with universal healthcare. We call for the immediate and public prosecution of those who have plundered this fund. This fund should be placed under the control of representatives elected by public assemblies of employed and retired workers, without any influence from the government and managers.
13. Any form of child labor should be absolutely abolished. Children regardless of sex, economic and social status, national, racial and religious identities, should benefit from complete social security, free and equal educational opportunities, health benefits and amenities.
14. We demand the removal of any discrimination against migrant Afghan workers and other nationalities in Iran, and call for an immediate end to their expulsion and the granting of citizenship rights to this group of fellow class members.
15. By emphasizing the exploitative nature of the capitalist system around the world, and by expressing our appreciation for the solidarity which international labor organizations have extended to the struggles of Iranian workers, we declare our support for labor protests around the world and stress the need for international labor solidarity.
16. We condemn the escalating war and killings in the Middle East region. In our view, this horrible situation, the unprecedented rise of terrorist organizations and the policies of terror in the countries of the region are caused by the dead end which capitalist relations have reached in their failure to satisfy the needs of human beings today, and by the anti-human policies of western and regional governments. By calling on workers and all freedom-seeking people around the world to protest against war and destruction in the Middle East region, we demand an immediate end to this war.
17. May Day or International Workers' Day should be declared an official holiday. All restrictions and limitations on ceremonies commemorating this day should be abolished.

The following labor organizations are the signatories of this resolution: The Free Union of Iranian Workers; Kermanshah Electrical and Metal Workers' Guild; Haft Tapeh Sugarcane Workers' Syndicate; Alborz Province Painters' Syndicate; Center for the Defenders of Workers' Rights; Coordinating Committee to Help Farm Workers' Organizations; Committee to Pursue the Establishment of Workers' Organizations - Translated by Frieda Afary

Le refus du ministère du travail pour tenir une assemblée générale du syndicat de la Compagnie de transport Vahed.

Un responsable du ministère du travail, des Coopératives et de la protection sociale a déclaré que selon le code du travail aucune organisation syndicale n'est autorisée dans les ateliers soumis au code du travail.

Le 1 Juin 2015

Plusieurs travailleurs de la Compagnie de transport Vahed en envoyant une lettre, au ministère des Coopératives, du travail et de la protection sociale, ont demandé de préciser un endroit en vue de la tenue d'une assemblée générale.

D'après l'ILNA (Iranian Labour News Agency), cette lettre a été enregistrée au ministère du travail le 30 mai. Les auteurs de cette lettre ont demandé au ministre « Ali Rabie » de décider un endroit pour tenir une assemblée générale.

Dans le cadre de cette demande, « Delavar Nazari » le directeur général des organisations d'employeurs des travailleurs du ministère du travail, des Coopératives et de la protection sociale a déclaré que selon les dispositions du chapitre six du code du travail, les travailleurs sont seulement autorisés à former l'un des trois types d'organisations à savoir : le conseil islamique du travail, une association syndicale ou l'élection des délégués. Il a poursuivi ainsi : « selon les conditions prévues par la loi, les autres types d'organisations syndicales ne sont pas autorisées dans les lieux du travail assujettis à la législation du travail ».

Il a ajouté que pour l'instant, dans tous les lieux du travail, les syndicats légitimes continuent à exercer et tant que la durée de leurs activités n'est pas finie, aucune d'autre organisation syndicale n'aura pas lieu.

A propos de la lettre des travailleurs de la Compagnie de transport Vahed « Delavar Nazari » a dit que la lettre est adressée au ministre du travail et pour l'instant on n'est pas au courant de sa décision.

Un aperçu des luttes et des protestations des travailleurs en 2014.

Le rapport de l'Alliance internationale pour soutenir les travailleurs en Iran (AISTI) – Résumé

En 2014 le nombre et l'ampleur des grèves et des protestations des travailleurs ont nettement accru. Les revendications concernaient les augmentations salariales, le paiement des salaires à temps, l'amélioration des conditions de travail et des mesures de sécurité et d'hygiène, les licenciements, les CDD, et les privatisations. Ces luttes s'inscrivent dans un contexte économique et politique de plus en plus défavorable pour les travailleurs : la baisse continue de leur pouvoir d'achat, une insécurité accrue de l'emploi, des licenciements, la spoliation de leurs droits à savoir la continuation de la politique du non-droit à l'encontre des travailleurs, la dégradation des mesures de sécurité et d'hygiène au travail d'où l'augmentation du nombre d'accidents de travail et de victimes, la répression ouverte des organisations autonomes des travailleurs, le licenciement des travailleurs protestataires, l'ingérence du pouvoir exécutif et des forces armées dans les conflits du travail, les agissements des agents ouvriers dépendants du régime pour dévier les mouvements de protestation et pour tenter de gagner la reconnaissance et la légitimité auprès des instances internationales du travail.

Une autre caractéristique de ces mouvements de protestation était la participation des membres des familles des travailleurs dans diverses actions de soutien.

- Les travailleurs et les questions salariales en 2014 :

1- La lutte pour une hausse des salaires : environ 27000 travailleurs dans 27 unités de production et de services y ont participé sous différentes formes : boycott des repas à la cantine, grèves, rassemblements, ou pétitions, lettres de protestation, médiatisation des conflits, etc.

2- Les arriérés de salaires dans 398 unités de production et de services ont provoqué les réactions des travailleurs

3- Les salaires sont souvent bien en-dessous du seuil légal qui est fixé à 609.000 tomans. De nombreuses

travailleuses mais aussi des travailleurs sont largement sous-payés.

- Les licenciements et les protestations des travailleurs : la fermeture annoncée de 81 unités de production et de services

- Les protestations des travailleurs contre les entreprises contractuelles et les CDD qui concernent environ 93% des travailleurs

- Les protestations contre les privatisations : les grèves des 3000 mineurs de BAFGH, et d'autres travailleurs, etc.

- Les protestations diverses pour d'autres raisons dans 23 unités de productions. Elles concernent : le logement, les moyens de transport, etc. ainsi que des conflits avec le patronat : 250.000 plaintes déposées par les travailleurs contre le patronat.

- La réaction du régime et du patronat à l'encontre des travailleurs protestataires et des unités de production et de services :

Le licenciement des travailleurs protestataires dans 40 unités de production. L'ingérence du pouvoir exécutif dans 12 unités de production et de services. L'intervention des forces armées dans les protestations des travailleurs : 14 cas

- D'autres formes de répression contre les travailleurs protestataires :

L'intensification de la pression du travail. Le non paiement des salaires et des primes. Les menaces sur les embauches : 21 travailleurs de la raffinerie de la canne à sucre de HAFT TAPEH menacés de ne plus être embauchés suite à une grève. La mise en place par le patronat d'un climat de terreur.

- La pression contre les membres des organisations autonomes et des militants ouvriers :

L'animosité flagrante contre la création d'organisations autonomes des travailleurs en recourant à diverses méthodes. La convocation, l'emprisonnement des membres des organisations autonomes et des militants ouvriers. La pression contre les travailleurs arrêtés et leur famille.

- La continuation de la politique du non-droit à l'encontre des travailleurs :

Le non-respect du salaire minimum légal. L'extension des zones économiques franches. Des mesures facilitant les licenciements. L'augmentation de 3 ans de l'âge de la retraite pour hommes et femmes, y compris pour les métiers pénibles, etc.

- La lutte des enseignants en 2014

Ils ont organisé des journées d'actions de protestation générale pour la hausse des salaires, l'amélioration des conditions de travail et de la qualité de l'enseignement, la libération des enseignants emprisonnés et contre la politique de privatisation de l'enseignement.

- Les protestations et luttes des infirmières et infirmiers

Ils ont organisé plusieurs rassemblements devant le Parlement et le siège du Président de la République pour revendiquer la hausse des salaires, l'amélioration des conditions de travail, et contre le surplus du volume de leur travail dû à un manque du personnel, etc.

- Les retraités

Ils ont organisé plus de 30 rassemblements pour demander une hausse du montant de leur pension et son paiement à temps.

- Les travailleurs immigrés

Ils sont des centaines de milliers, ne bénéficient d'aucun droit et sont très mal rémunérés. Ils subissent la ségrégation et sont interdits de travail dans plusieurs provinces. De nombreux enfants issus de ces familles abandonnent l'école à cause du droit d'inscription scolaire élevé qu'on leur exige.

- Le travail des enfants

Le nombre des enfants travailleurs a accru en 2014 : officiellement ils sont 2 millions mais ce chiffre est très loin de la réalité qui serait 2 ou 3 fois supérieur. Les pressions économiques pesant sur les familles ont obligé ces enfants, issus également de parents afghans et irakiens, à abandonner l'école et rejoindre le marché du travail où ils sont fortement exploités et souvent maltraités.

L'Alliance internationale pour soutenir les travailleurs en Iran (AISTI)